

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۰۵ نومبر ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

نمایش استیضاح وزیر اقتصاد و دارایی [مالیه]

روز سه‌شنبه این هفته، مجلس ارتجاع اسلامی با هیاهویی که از پیش به راه انداخته بود، استیضاح وزیر اقتصاد و دارایی را در دستور کار قرار داد. قرار و مدارها از قبل گذاشته شده بود. می‌بایستی گروهی در موافقت با استیضاح و برکناری وی نقش بازی کنند و گروهی دیگر در مخالفت با استیضاح و برکناری وزیر اقتصاد. پایان این نمایش نیز تبریئه وزیر، در پرونده اختلاس و سوء استفاده مالی ۳ هزار میلیارد تومانی و ابقای وی با ۱۴۰ رأی بود. اما چرا وزیر اقتصاد و دارایی می‌بایستی استیضاح و تبریئه شود؟ تا جایی که اخبار و گزارشات این پرونده علنی شده است، مقامات سطوح بالا و ارگان‌های مقننه و اجرائی جمهوری اسلامی هر یک به نحوی در این فساد و اختلاس مالی دست داشته‌اند. در مراحل اولیه علنی شدن این پرونده فساد مالی، گروه‌های رقیب احمدی‌نژاد، نامه‌هایی را که از دفتر وی صادر شده بود، انتشار علنی دادند. متقابلاً طرفداران احمدی‌نژاد نیز نقش گروه‌های مخالف خود را در این پرونده برملا کردند. این افشاءگری‌ها به مرحله‌ای رسید که خامنه‌ای دستور توقف افشاءگری‌ها را صادر کرد و گفت:

این مسأله دیگر نباید کِش پیدا کند و دستگاه قضائی مسأله را دنبال می‌کند و نتیجه را به اطلاع مردم می‌رساند. قوه قضائیه نیز وظیفه‌ای جز این نداشت که قبل از هر چیز پای مقامات رده‌های بالای دولتی را از این ماجرا کنار بکشد و پرونده را در چارچوب تخلفات و سوءاستفاده‌های مالی مدیران و کارمندان رده‌های پائین دستگاه دولتی و چند تائی سرمایه‌دار محدود سازد.

اما هنوز یک مسأله حل نشده باقی مانده بود. تمام این فساد در آن نهادهای مالی جمهوری اسلامی به وقوع پیوسته بود که تحت مسئولیت وزیر اقتصاد و دارایی قرار دارند. اگر قرار بود تمام مقامات سطح بالای جمهوری اسلامی از این پرونده کنار گذاشته شوند، می‌بایستی او نیز از هر گونه اتهامی مبرا اعلام شود. این وظیفه را مجلس بر عهده گرفت و در یک نمایش مسخره به نام استیضاح، او را از هر گونه نقش و اتهامی در این پرونده فساد مالی بزرگ تبریئه کرد و بار دیگر به او رأی اعتماد داد. توافقات البته در سطح بالاتری انجام گرفته بود و با سخنرانی

لاریجانی رئیس مجلس در دفاع از وزیر اقتصاد و دارائی کاملاً آشکار بود. اما درگیر بودن تعدادی از نمایندگان در این پرونده فساد مالی خود عامل دیگری برای تبریئه وزیر اقتصاد و رأی اعتماد به او بود. واقعیتی که در همین جلسه مجلس اشاراتی به آن صورت گرفت.

قدوسی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در نطق خود گفت: "افرادی از مجلس در ماجرای سوء استفاده مالی اخیر به اعتراف خودشان با نوشتن ۳۶ نامه به مسؤولان و بانکها از امیر منصور آریا حمایت کردند و خواستار پرداخت تسهیلات ویژه به او شدند، لذا مجلس نباید در این رابطه استثناء قائل شود و باید به این قضیه هم توجه کند." این افشاءگری با پاسخ خشمگینانه رئیس مجلس روبرو گردید که گفت:

"این طور حرف زدن و شائبه ایجاد کردن درست نیست. ما هر کس را که قوه قضائیه احضار کند برای پاسخگویی می‌فرستیم." رئیس کمیسیون اصل ۹۰ هم برای رفع و رجوع کردن قضیه، به یاری رئیس مجلس برخاست و افزود: "تمام نمایندگان به اساس اختیارات نمایندگی مراجعاتی از مؤکلین‌شان دارند که برای تقویت بخش خصوصی نامه‌هایی را به سیستم بانکی می‌نویسند، اما این که در ماجرای اخیر پشت این نامه‌ها سوء رفتار مالی وجود داشته باشد برای ما ثابت نشده است." اگر چنین می‌بود، در آن صورت چرا می‌بایستی قوه قضائی تعدادی از این به اصطلاح نمایندگان را برای بازجویی فرا خواند و حتا شایعه بازداشت بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس و پسرش انتشار یابد. یک عضو همین کمیسیون به نام احمد بی‌غش، اما تأیید می‌کند که "یکی از نمایندگان در ارتباط با پرونده اختلاس بازداشت و سپس با وساطت رئیس مجلس آزاد شده است." بروجردی هم اصل ماجرا را انکار نمی‌کند، اما می‌گوید بازداشت نشده و سهامدار شرکت زاگرس خودرو بروجرد نبوده است و ارتباط او با گروه آریا و ماجرای اختلاس تنها نوشتن یک سفارش‌نامه برای کمک به مردم بیکار حوزه انتخابیه‌اش بوده است. ماجرا آن‌قدر بیخ پیدا کرده است که کریمی قدوسی در واکنش به این اظهار نظر بروجردی می‌گوید: "خود بروجردی در کمیسیون امنیت ملی گفته است که قاضی پرونده درباره کارهایی که انجام داده، از وی سؤال کرده است" و می‌افزاید: "موضوع شوخی نیست. بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس است و با استفاده از سربرگ کمیسیون، توصیه‌هایی را در جهت حمایت از گروه اقتصادی امیر منصور آریا انجام داده. اگر استعفاء نکند برکنارش می‌کنیم." گویا که اگر بروجردی برکنار شود، ماجرای فساد مالی نمایندگان مجلس برطرف می‌شود. وی ظاهراً فراموش کرده است که در جریان سخنرانی خود در مجلس، از ۳۶ نامه مجلسیان به بانکها در حمایت از امیر منصور آریا سخن گفته بود و مطبوعات رژیم لاقال از دست داشتن سه عضو مجلس در این پرونده فساد مالی پرده برداشته‌اند. تمام ارگان‌های جمهوری اسلامی چنان در این فساد غوطه‌ورند که حتا برخی از نمایندگان همین مجلس نیز به ناگزیر اعتراف می‌کنند چیزی تغییر نخواهد کرد.

نماینده بهار و کبودرآهنگ در همین جلسه مجلس می‌گوید: "با این روش مدیریت باید منتظر فساد باشیم و اگر فساد رخ نداد تعجب کنیم." و نماینده شهر بابک هم می‌افزاید: "جامعه سؤال دارد که چرا در نظام جمهوری اسلامی چنین مسایلی رخ می‌دهد؟ چطور می‌شود در کشورهای مختلف که به بی‌خدائی مشهور هستند اگر چنین فاجعه‌ای رخ دهد، بالاترین مقام مسؤول استعفاء یا حتا خودکشی می‌کند، اما در کشور اسلامی هیچ کدام از این اتفاقات رخ نمی‌دهد و به شدت سعی در تکذیب و سیاسی کردن موضوع دارند."

اگر منظور از جامعه، توده‌های مردم ایران باشد، آن‌ها پاسخ سؤال را هم می‌دانند. به همان دلیل که جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم استبدادی با فساد عجین است. در نظامی که رهبرش نماینده خطاناپذیر منصوب از جانب خداست و تمام مقامات و کارگزارانش نیز سرشناس‌ترین اعضای حزب خدا و توده مردم، بندگان حقیر خدا

هستند که از هر گونه آزادی و دخالت در امور دولتی منع و محروم‌اند، اگر فساد فراگیر در عرصه‌های مختلف نمی‌بود، می‌بایستی تعجب‌آور باشد. همه ارگان‌ها و مقامات جمهوری اسلامی در این فساد غوطه‌ورند و هر نهاد، گروه و باندی نیز پرونده‌های فساد مالی دیگری را در اختیار دارد تا یکدیگر را خنثا کنند. این واقعیت چنان آشکار است که روز چهارشنبه همین هفته مطهری یک عضو دیگر مجلس در جریان بحث بر سر استعفای خود، ترس مجلسیان از افشای‌های احمدی‌نژاد را مانع به جریان افتادن طرح سوال از وی اعلام نمود و افزود: "نمی‌توان گفت چون فردی تعدادی پرونده زیر بغل دارد و جسارت لازم را هم دارد، همه باید مطابق میل او رفتار کنیم تا دوره‌اش به سر رسد." اما فساد مجلسیان هم بیش از آن است که بخواهند با فساد دستگاه اجرائی درگیر شوند. نمونه دیگری از همین فساد را که در این هفته علنی شد، بخوانید.

افشای یک اختلاس هزار میلیارد تومانی جدید

به رغم تلاش خامنه‌ای و دیگر سران جمهوری اسلامی برای متوقف ساختن افشای فساد مالی درون رژیم، تضادهای و درگیری‌های گروه‌های رقیب، این تلاش‌ها را خنثا می‌کند و پرونده‌های دیگری از فساد مالی درون دستگاه دولت دینی برملا می‌گردد.

در این هفته، یک عضو کمیته تحقیق و تفحص از تأمین اجتماعی در مصاحبه با خبرگزاری مهر، خبر از یک اختلاس لااقل یک هزار میلیارد تومانی در سازمان تأمین اجتماعی و شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی موسوم به "شستا" داد.

سلیمان جعفرزاده گفت: بر طبق گزارشی که آماده شده است، پس از بررسی وضعیت ۱۵۰ شرکت زیر مجموعه سازمان بازنشستگی و "شستا" روشن شد که بیش از یک هزار میلیارد تومان اختلاس انجام شده است. وی افزود: "آنچه باعث تأسف است این که اموال ۳۰ میلیون بازنشسته تأمین اجتماعی (شاید منظورش ۳ میلیون باشد) را تبدیل به شرکت‌های خانوادگی کرده‌اند و تمامی قراردادهای کوچک و بزرگ به فرزندان مدیران و بستگان و اقازاده‌ها واگذار شده است.

شرکت‌های زیر مجموعه "شستا" حیاط خلوت احزاب و گروه‌ها و طیف‌ها در دولت‌های قبلی و فعلی بوده است. برخی از نمایندگان در برخی از این شرکت‌ها ورود پیدا کرده‌اند و در تخلفات مالی آن‌ها شریک‌اند، به طوری که تخلفات برخی از نمایندگان در این فساد مالی محرز و مستند است." وی همچنین از برداشت دو میلیارد تومانی از سرمایه شرکت به مدت سه سال، پاداش ۴۵۰ میلیونی به یک نفر و هزار سکه به برخی افراد به عنوان هدیه پرده برداشت.

اما واکنش سازمان تأمین اجتماعی به این اختلاس یک تریلیون تومانی چه بود؟ روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی، با صدور اطلاعیه‌ای، مسایل مطرح شده را مربوط به دوران مدیریت قبلی اعلام نمود. سپس نایب رئیس هیأت مدیره شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی گفت: "مدرکی مبنی بر تخلف هزار میلیاردی در "شستا" وجود ندارد. تعدادی از شرکت‌های زیر مجموعه "شستا" مانند سیمان ساوه تخلفاتی مرتکب شده‌اند که این موارد را به دادگاه ارائه کرده‌ایم. یکی از تخلفات انجام شده نیز با اِعمال نظر یکی از نمایندگان مجلس بوده که این مورد را نیز به دادگاه و مجلس اعلام کرده‌ایم." وی در خصوص پاداش‌های میلیونی به برخی مدیران هم گفت: "پاداش‌های ارائه شده به اساس مقررات و مصوب مجمع شرکت‌ها انجام می‌شود." در گفت و گوی رئیس کمیته تحقیق و تفحص روشن نشده است که چه میزان از این اختلاس و سوء استفاده‌های مالی، مربوط به فروش شرکت‌های زیر مجموعه

"شستا" می‌باشد فقط اشاره می‌شود که یکی از مدیران این شرکت "کارخانه‌ای را بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان اضافه بر قیمتش خریداری کرده و به عنوان تشویق از پاداش‌های ۴۵۰ میلیون تومانی تا یک هزار سکه به برخی افراد هدیه داده است."

اما نکته قابل توجه در این اختلاس یک تریلیون تومانی نقش نمایندگان مجلس و هیأت رئیس مجلس در آن است. رئیس کمیته تحقیق و تفحص می‌گوید: "از روز اولی که طرح تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی آغاز شد، بلافاصله با فشارهای سیاسی از سوی بسیاری از چهره‌ها و حتی هیأت رئیسه مجلس مواجه شدیم." وی افزود: "در حالی که داشتیم به سرنخ‌های بیش‌تری در این پرونده بزرگ اختلاس پی می‌بردیم، هیأت رئیسه مجلس از ادامه تحقیق و تفحص جلوگیری کرد. به اعتقاد اعضای تیم تحقیقی، اگر فعالیت ما تا ۶۰ روز دیگر ادامه داشت، می‌توانستیم بیش از سه هزار میلیارد تومان اسناد و مدارک تخلف در این شرکت را اثبات کنیم... متأسفانه هیأت رئیسه مجلس به هیچ عنوان با تیم تحقیق همکاری نداشت و موانعی را سد راه ما می‌کرد. حتی زمانی که از یک شرکت خواستیم تا اسناد بالاتکلیفی ۷۰ میلیارد تومان از سرمایه خود را ارائه کند، هیأت رئیسه مجلس دستور داد تا کار همان‌جا متوقف شود و دیگر ادامه ندهیم."

آنچه خواندید، گفته‌ها و اظهار نظر مخالفان جمهوری اسلامی در مورد ابعاد فساد مالی در جمهوری اسلامی نیست. این گفتار رئیس کمیته تحقیق و تفحص مجلس در گفت و گو با خبرگزاری مهر وابسته به رژیم است. ببینید در این کشور چه خبر است! اختلاس‌ها، ابعاد تریلیونی به خود گرفته است. یک تریلیون تومان اختلاس در سازمان تأمین اجتماعی. از مدت‌ها پیش در رسانه‌های رژیم اعلام شده بود که سازمان تأمین اجتماعی در حال ورشکستگی است. اکنون دلیل ورشکستگی آن روشن شده است. وقتی که ابعاد دزدی و غارت، تریلیونی باشد و حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان این‌چنین به یغما برده شود، سازمان تأمین اجتماعی هم می‌تواند در آستانه ورشکستگی قرار گیرد.

همه سران، مقامات و دست اندرکاران رژیم در این دزدی و غارت سهیم‌اند. بی دلیل نیست که هیأت رئیسه مجلس وقتی که می‌بیند، ممکن است میزان اختلاس از یک تریلیون نیز تجاوز کند، دستور توقف تحقیق و تفحص را صادر می‌کند. چرا که در این ماجرا همان‌گونه که رئیس کمیته تحقیق و تفحص و نایب رئیس هیأت مدیره شرکت‌های سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی هم اعتراف می‌کنند، پای نمایندگان مجلس در میان است. لذا تلاش می‌کنند ادامه تحقیق را متوقف و سر و صدای این فساد بزرگ مالی جدید را بخوابانند.

افزایش تهدیدات نظامی

هر گاه نزاع جمهوری اسلامی با قدرت‌های جهانی، به ویژه امریکا و قدرت‌های منطقه‌ای بالا می‌گیرد، بار دیگر تهدیدات نظامی، چاشنی نزاع تبلیغاتی و سیاسی می‌شود.

در هفته‌ای که گذشت، پاسدار فیروزآبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در گفت و گو با خبرنگاران از آمادگی جمهوری اسلامی برای درگیری نظامی خبر داد و گفت: "ما به عنوان دستگاه‌های نظامی، تهدید را هر چند با احتمال کم و دور باشد، تهدید قطعی می‌دانیم و در کمال آمادگی و با تجهیزات درست آماده‌ایم تا هر نوع اشتباه را آن‌چنان تنبیه کنیم که از انجام آن متعجب شوند."

این اظهار نظر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، پس از آن صورت گرفت که در چند روز گذشته رسانه‌های بین‌المللی به دفعات اخبار و گزارشاتی از آمادگی نیروی هوایی اسرائیل برای حمله به تأسیسات اتمی در

ایران انتشار داده‌اند. دولت امریکا نیز در چند هفته گذشته به دفعات جمهوری اسلامی را بر سر مسایل مختلف تهدید کرده است. در همین حال گزارشاتی از سفر برخی مقامات سیاسی و نظامی امریکا به اسرائیل و مذاکره آن‌ها در مورد جمهوری اسلامی انتشار یافته است.

در جدیدترین تحولات پیرامون این مسأله، روزنامه گاردین نیز خبر داد که دولت انگلیس در حال آماده کردن طرح‌های نظامی خود برای حمله احتمالی به ایران به همراه دولت امریکاست.

این تهدیدات نظامی پس از آن تشدید شده است که دولت امریکا طرح ترور سفیر عربستان را در این کشور مطرح کرد و پرونده را برای بررسی و تصمیم‌گیری به شورای امنیت سازمان ملل فرستاد. فشارهای دولت امریکا در زمینه‌های دیگر نیز بر جمهوری اسلامی افزایش یافته است. دولت امریکا از مدیر کل آژانس انرژی اتمی هم خواسته است که در گزارش جدید خود به مسایل ناگفته دیگری از پرونده هسته‌ای ایران بپردازد. روشن است که این اقدامات دولت امریکا، مقدمه‌چینی برای درگیری‌های حادثر آینده با جمهوری اسلامی است. دلیل آن هم در این است که اقدامات دولت امریکا و مجموع فشارهایی که تاکنون به جمهوری اسلامی وارد آورده، با شکست روبرو شده است. یعنی از طریق دیپلماسی و سیاست چماق و هویج نتوانسته است جمهوری اسلامی را به عقب‌نشینی وادارد. لذا مرحله جدید تهدیدات دولت امریکا علیه جمهوری اسلامی را باید مرحله جدیدی در تشدید مخاصمات در نظر گرفت که احتمال درگیری نظامی را بیش از پیش افزایش داده است.

از این روست که رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تهدید را قطعی می‌داند و از آمادگی برای این درگیری سخن می‌گوید. اما با این همه به دلایل مختلف بعید است که این درگیری نظامی در کوتاه مدت و مثلاً در چند ماه آینده صورت گیرد. چون لازمه یک چنین امری از سوی دولت امریکا، اولاً، آماده‌سازی زمینه سیاسی و تبلیغاتی آن در سطح جهان، گرفتن تأییدیه از ارگان‌های سازمان ملل، بی‌طرف ساختن و خنثا کردن روسیه و چین است. ثانیاً، بعید است که دولت امریکا قبل از انتخابات این کشور در سال آینده دست به اقدامی بزند که نتایج و ابعاد آن چندان مشخص نیست و ممکن است به درگیری‌های وسیع‌تر و دراز مدت‌تری بینجامد. ثالثاً، نمی‌تواند این اقدام نظامی قبل از خروج نیروهای امریکائی از عراق باشد. چرا که آن‌ها در دسترس‌ترین هدف برای جمهوری اسلامی‌اند، در حالی که دولت امریکا می‌خواهد از طریق موشک‌باران و بمباران مراکز نظامی و هسته‌ای جمهوری اسلامی، ضربه نظامی خود را وارد آورد. با توجه به این واقعیات باید تهدیدات نظامی چند هفته اخیر را زمینه‌سازی برای اهداف دراز مدت‌تر در نظر گرفت و احتمال بروز درگیری‌های نظامی در آینده نزدیک همچنان ضعیف است. با تمام این اوصاف این واقعیت به جای خود باقی‌ست که منازعه جمهوری اسلامی و دولت امریکا وارد مرحله جدیدی شده است که احتمال درگیری نظامی را بیش از گذشته افزایش داده است.